



# چه کسی برای توافق عجله دارد؟



سرمقاله

می تواند به امتیازدهی یک طرفه منجر شود. تفاوت در ادبیات دو طرف نیز گویای همین واقعیت است. از یک سو، واشنگتن با ادبیاتی پرنوسان، گاه از بی نیازی و گاه از فوریت سخن می گوید. از سوی دیگر، تهران بر اصول ثابت تأکید می کند و از ورود به بازی های روانی پرهیز دارد. این تفاوت، نشان دهنده تفاوت در موقعیت واقعی دو طرف است. نکته مهم دیگر، تغییرات در نظم بین المللی است. جهان امروز، دیگر به سادگی گذشته تحت تأثیر اراده یک جانبه آمریکا قرار نمی گیرد. شکل گیری ائتلاف های جدید، افزایش نقش قدرت های منطقه ای و تغییر در معادلات اقتصادی، دست واشنگتن را محدودتر کرده است. در چنین فضایی، تحمیل شرایط یک طرفه دشوارتر از گذشته شده است. با کنار هم گذاشتن این عوامل، تصویر روشن تر می شود. آمریکا درگیر مجموعه ای از فشارهای هم زمان است؛ فشار اقتصادی، فشار سیاسی داخلی، فشار زمانی و فشار ناشی از نیاز به حفظ اعتبار بین المللی. این فشارها، میل به رسیدن به یک توافق را افزایش داده است. در مقابل، ایران با تکیه بر تجربه و محاسبه، از ورود به یک توافق شتاب زده خودداری می کند. در کل می توان اینگونه نتیجه گرفت که برخلاف لفاظی های رسمی، این واشنگتن است که برای رسیدن به یک توافق، عجله بیشتری دارد. ایران مسیر خود را بر اساس منافع تعریف کرده و تا زمانی که این منافع تأمین نشود، عجله ای برای توافق ندارد. ■

خاص خود از این فرصت ۶۰ روزه به نوعی کنگره را دور زده و همین مسئله باعث افزایش فشارهای سنگین در کنگره آمریکا بر ترامپ شده است. از سوی دیگر تجربه جنگ ۱۲ روزه و ۴۰ روزه نشان داد که آمریکا نمی تواند ایران را شکست دهد. نه ساختار سیاسی ایران فروپاشید و نه رفتار منطقه ای ایران تغییر کرد. در مقابل، ایران با تطبیق خود با شرایط جدید، توانست فشارها را مدیریت کند و ظرفیت های خود را افزایش دهد. این واقعیت، آمریکا را در موقعیتی قرار داده که برای توجیه سیاست های گذشته، به یک نتیجه قابل ارائه نیاز دارد. از سوی دیگر، هزینه های حضور نظامی در منطقه همچنان ادامه دارد. نگهداری ناوگان ها، استقرار نیروها و آماده باش دائمی، فشار مضاعفی بر منابع آمریکا وارد می کند. این وضعیت نمی تواند به صورت نامحدود ادامه پیدا کند. هم زمان، لابی های مختلف در داخل آمریکا نیز خواهان تعیین تکلیف این وضعیت هستند. بلا تکلیفی، بدترین سناریو برای بسیاری از بازیگران اقتصادی و سیاسی است. در مقابل این مجموعه فشارها، رفتار ایران قابل توجه است. تهران در مواضع خود نشانه ای از عجله بروز نمی دهد. تجربه های گذشته، به ویژه در موضوع توافق هسته ای، باعث شده که نگاه ایران به مذاکرات، با احتیاط و محاسبه همراه باشد. تأکید بر حقوق قانونی و منافع ملی، محور اصلی این رویکرد است. ایران به خوبی می داند که شتاب زدگی در چنین شرایطی،

نخستین سطح، اقتصاد است. تداوم این وضعیت یا شروع درگیری جدید برای آمریکا هزینه زا است. ساختار اقتصادی این کشور در سال های اخیر با چالش های جدی مواجه بوده و تحمل یک بحران فرسایشی جدید را ندارد. افزایش هزینه های نظامی، فشار بر بودجه فدرال و حساسیت شدید بازارهای جهانی به ناامنی در منطقه، مجموعه ای از فشارها را ایجاد کرده که سیاست گذاران آمریکایی را به سمت مهار تنش سوق می دهد. بازار انرژی به ویژه به این تحولات واکنش فوری نشان می دهد و هر نوسان قیمتی می تواند به نارضایتی داخلی دامن بزند. در کنار اقتصاد، سیاست داخلی آمریکا نیز در وضعیت شکننده ای قرار دارد. فضای دوقطبی، هر تصمیم بزرگ سیاست خارجی را به میدان رقابت داخلی تبدیل کرده است. تجربه جنگ های طولانی در عراق و افغانستان هنوز از ذهن جامعه آمریکایی پاک نشده است. اشاره برخی مقامات به آن تجربه ها، اعترافی غیرمستقیم به این واقعیت است که ورود به یک مسیر مشابه یعنی جنگ طولانی و بی سرانجام، می تواند هزینه های سیاسی سنگینی به همراه داشته باشد. عامل زمان و مجوز قانونی از کنگره برای جنگ نیز به صورت جدی بر تصمیم گیری آمریکا سایه انداخته است. هر رئیس جمهوری در این کشور، در چهارچوب یک افق زمانی محدود عمل می کند. بدون مجوز کنگره تنها ۶۰ روز رئیس جمهور می تواند در جنگ ها حضور داشته باشد. با اتمام این مهلت، ترامپ با تفسیر

«جنگ چهل روزه باعث شده است تا آمریکا در بن بست خود ساخته گرفتار شود و این روزها با تشدید فشارها بر دولت ترامپ، عجله برای خروج از این جنگ نیز مشاهده می شود. البته آمریکا سعی دارد در تنگنا بودن خود را کتمان کرده و با بازی های رسانه ای این گزاره را القا کند که این ایران است که وقت زیادی ندارد و بهتر است برای توافق عجله کند. مواضع اخیر دونالد ترامپ درباره زمان و شرایط توافق با ایران، در ظاهر حامل پیامی ساده و تکراری است؛ آمریکا عجله ای ندارد و این ایران است که باید تصمیم بگیرد. اما این ظاهر ماجراست. وقتی لایه های زیرین این موضع گیری کنار زده می شود، نشانه هایی آشکار از یک واقعیت متفاوت خودنمایی می کند؛ واقعیتی که از فشار، محدودیت و نیاز به خروج از یک بن بست برای آمریکا حکایت دارد. ترامپ می گوید «همه وقت دنیا» را در اختیار دارد، اما در همان حال از «تمام شدن فرصت» برای ایران سخن می گوید. از سوی دیگر هگست وزیر دفاع آمریکا در کنگره در پاسخ به فرسایشی شدن جنگ با ایران تأکید کرد تازه دو ماه از جنگ گذشته و در عراق و افغانستان سال ها درگیر بودیم و نباید اینقدر به دولت ترامپ بابت این مسئله فشار وارد کرد. این گزاره ها با هم نمی خوانند و اتفاقاً بررسی آن ها نشان دهنده در تنگنا بودن آمریکا برای توافق و خروج از جنگ است. اما چرا آمریکا برای توافق عجله دارد؟ ریشه این شتاب پنهان را باید در چند سطح هم زمان جست و جو کرد.

میانمان نیست. هنوز هم وقتی تصویرتان بر قاب تلویزیون نقش می بندد، به روال معمول برای سلامتی تان دعا می کنم؛ اما اندکی که به خودم می آیم، می فهمم چه بر ما گذشته و امان از این داغی که بر دل نشسته است.

رهبر شهیدم، عزیز دل ملت، با شهادتتان داغی سنگین بردل این ملت گذاشتید. این داغ سردشندی نیست. این یک ماه و اندی، گویی یک قرن بر این ملت داغ دیده گذشت. سخت است بر ما که باور کنیم رهبرمان دیگر در



سخنی با

## جنگ منطقه ای

### ناکامی آمریکا در فلج سازی صادرات نفت ایران

■ **ک** به نظر می رسد محاصره دریایی ایران از سوی آمریکا، آنگونه که ترامپ انتظار داشت، نتوانسته به هدف اعلامی یعنی فلج سازی اقتصادی ایران دست پیدا کند. برخلاف پیش بینی آمریکایی ها مبنی بر قطع یا به شدت محدود شدن صادرات نفت ایران، شواهد داده های میدانی نشان می دهد که جریان انتقال نفت همچنان ادامه دارد. در همین رابطه، وبسایت TankerTrackers که به عنوان یکی از منابع شناخته شده در حوزه ردیابی نفتکش ها و تحلیل داده های حمل و نقل دریایی فعالیت می کند، گزارش داده است که از زمان آغاز این محاصره در ماه آوریل، بخش قابل توجهی از نفتکش های ایرانی موفق به عبور از محاصره شده اند. بر اساس این گزارش، در مجموع ۲۵ محموله نفتی ایران در این بازه زمانی ثبت شده که از این میان، ۱۶ نفتکش توانسته اند از محاصره عبور کنند. همچنین طبق داده های منتشر شده، ۲ نفتکش توسط ایالات متحده ربوده شده و ۷ نفتکش دیگر نیز مجبور به بازگشت شده اند. این آمار نشان می دهد که با وجود محاصره دریایی، اکثریت نفتکش های ایرانی توانسته اند مسیر خود را به آب های بین المللی ادامه دهند.

### قاب

### یار حاج قاسم در دفاع از حرم در عملیات خنثی سازی بمبهای جنگ رمضان شهید شد

■ **ک** سردار رشید اسلام شهید سیدعلی موسوی هوایی، از نزدیکان شهید حاج قاسم سلیمانی در دوران دفاع از حرم، به همراه ۱۳ نفر دیگر از گردان تخریب استان زنجان در حین خنثی سازی مهمات عمل نکرده جنگ تحمیلی سوم شهید شدند.

### اعتراف

### درماندگی ترامپ در برابر اقتدار ایران

■ **ک** رسانه صهیونیستی ها آرتص با اشاره به تسلیم نشدن تهران در مقابل زیاده خواهی های واشنگتن نوشت: «دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا از سرسختی ایران خشمگین است.» دونالد ترامپ در جنگ با ایران به اذعان رسانه های آمریکایی دچار خطای محاسباتی شد. این خطای محاسباتی ناشی از عدم شناخت مؤلفه های قدرت در ایران بود. ترامپ از ابتدا با این پیش فرض وارد میدان شد که ایران نیز همچون برخی بازیگران شکننده نظام بین المللی، در برابر فشار حداکثری و تهدید نظامی نهایتاً فروخواهد پاشید. این تصور، اما در میدان واقعیت دوام نیاورد. جنگ چهل روزه نقطه عطفی بود که نشان داد ایران نه تنها ظرفیت تحمل فشار را دارد، بلکه قادر است معادله قدرت را نیز بازتعریف کند. پس از آن، اعلام آتش بس دو هفته ای و سپس تمدید آن از سوی ترامپ، به جای آنکه نشانه برتری باشد، به نوعی اعتراف ضمنی به بن بست راهبردی تعبیر شد. در ادامه، تشدید فشارها از جمله تلاش برای محاصره تنگه هرمز، آخرین برگ های بازی کاخ سفید بود؛ برگ هایی که ترامپ گمان می کرد سرانجام تهران را به تسلیم می کشاند. اما آنچه رخ داده خلاف این انتظار است. ایستادگی ایران نه تنها ادامه یافته، بلکه به عاملی برای آشکار شدن ضعف درک ترامپ از ماهیت قدرت در ایران تبدیل شده است.